

روش هرمنوتیکی تیرومولر (قدیس برجسته هندویی) در تفسیر اسطوره‌های پورانه‌ای بر اساس کتاب تیرومنتیرم^۱

پیمان صمیمی^۲ ابوالفضل محمودی^۳ فاطمه لاجوردی^۴

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز متون کهن هندو، ارائه بسیاری از آموزه‌ها و اعتقادات در شکل و قالب داستان‌های نمادین و اسطوره‌ایست. در بسیاری موارد در اثر گذر زمان معانی و محتوای اصلی این اسطوره‌ها به دست فراموشی سپرده شده و بیشتر به شکل ظاهری آنها توجه شده است. در مواجهه با این برداشت‌های لفظی و سطحی، برخی صاحب‌نظران، فیلسوفان و عارفان هندو این اسطوره‌ها را مجدد تفسیر و تاویل کرده‌اند. هرچند این شروح و تفسیرها با رویکردهای مختلف صورت گرفته است، اما همگی در تلاش هستند تا از حکایات و اسطوره‌های کهن برداشتی معناگرایانه و گاهی عقلانی ارائه دهند. تیرومولر عارف و فیلسوف بزرگ هندو یکی از همین افراد است. تأثیرات فراوان او بر جریان‌های فکری پس از خودش - به خصوص سنت‌های شیواپرستی - بسیار پراهمیت است. با توجه به اهمیت این تأثیرگذاری، این نوشتار تلاش کرده است زندگی این قدیس و محتوای اثر مهم او کتاب تیرومنتیرم را بررسی کرده و سپس با انتخاب برخی از روایات و اسطوره‌های مندرج در این متن، رویکرد هرمنوتیکی او در تفسیرهایی که از اسطوره‌های پورانه‌ای ارائه داده را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها

اسطوره، هندو، شیواپرستی، هرمنوتیک، تاویل، تیرومولر، ناینمار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

۲. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
amahmoodi5364@gmail.com

۴. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شیواپرستی یکی از شاخه‌های مهم دین هندو است که قدمت دیرینه‌ای در این سرزمین دارد. پژوهشگران در یک تقسیم‌بندی کلی شیواپرستی را به دو سنت شمالی و جنوبی تقسیم کرده‌اند و معتقدند رشد و توسعه این تفکر در نواحی جنوبی هند در واقع ادامه همان سنت شمالی است. بر اساس متون به جای مانده از ادبیات و فلسفه شیوایی جنوب هند، یکی از شخصیت‌هایی که در انتقال این باورها بدان نواحی نقش بسیار مهمی ایفا کرده «تیروموگر» (Tirumular) است. با آنکه داستان‌های پیرامون شخصیت واقعی این قدیس-شاعر شیوایی در هاله‌ای از ابهام یا حکایات اغراق‌آمیز قرار دارد، اما پس از بررسی انبوه این روایات می‌توان به شرح حال نسبی از او دست یافت. همچنین اثر مهم و ماندگار او تیرومنتیرم (Tirumantiram) در شکل‌گیری و رشد و توسعه شیواپرستی در جنوب هند تاثیر فراوانی داشته است. این کتاب از لحاظ شیوه نگارش، محتوا و رویکرد آن به آموزه‌ها و باورهای دین هندو ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از هر اثر دیگری در حوزه تفکر شیوایی در جنوب هند متفاوت می‌کند. ساختار نظام‌مند این متن که با رویکردی فلسفی-عرفانی به موضوعات گوناگونی پرداخته است با آثار بر جای مانده از دیگر قدیسان شیوایی جنوب هند یا همان «ناینمار»ها (Nāyanmārs) متفاوت است و بیشتر از ادبیات شیوایی شمال هند پیروی می‌کند. یکی از ویژگی‌های قابل توجه کتاب تیرومنتیرم نگرش تأویل‌گرایانه‌ای است که در جای جای این متن به چشم می‌خورد. نویسنده این متن در بسیاری موارد از تعالیم و اسطوره‌های رایج که عموماً برگرفته از پورانه‌ها (Purāna) هستند، تفسیرهایی عقل‌گرایانه و فلسفی ارائه می‌دهد که می‌توان گفت در هیچ متن دیگری از ادبیات شیوایی جنوب هند به این شکل وجود ندارد. پورانه‌ها مجموعه متون دینی هندو هستند که عموماً در سده‌های میانه نوشته یا جمع‌آوری شده‌اند. در میان انبوه متونی که تحت عنوان پورانه وجود دارند تعداد هجده پورانه از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و به پورانه‌های اصلی معروف هستند و شیوه پورانه یکی از مهم‌ترین آنهاست.

مسئله و محور اصلی این تحقیق بررسی جنبه‌های تاریخی شخصیت «تیروموگر»، محتوای اثر او تیرومنتیرم و تجزیه و تحلیل برخی از نمونه‌های تفسیرها و تأویل‌های او

در باب داستان‌ها و اسطوره‌های پورانه‌ای است. در این نوشتار تلاش خواهد شد تا به این سوالات پاسخ داده شود: تاریخ و زندگی‌نامه «تیرومولر» چگونه بوده است؟ کتاب تیرومنتیرم دارای چه محتوایی است؟ روش تفسیر و رویکرد هرمونوتیکی «تیرومولر» چگونه بوده و دارای چه ویژگی‌هاست؟

مطالعات هندشناسی در سایر کشورها از اقبال و توجه بیشتری برخوردار است و به بسیاری از جنبه‌های الاهیاتی و فلسفی ادیان هند توجه شده است. با این حال درباره قدیس شاعران جنوب هند یا «ناینمارها» کمتر آثاری منتشر شده است. اما در داخل ایران با توجه به آنکه کمتر اثری در این حوزه منتشر شده است، ضرورت و اهمیت چنین پژوهش و تحقیقاتی به مراتب بیشتر است. بنابراین می‌توان ضرورت این تحقیق را در راستای شناساندن باورها و آموزه‌های دین شیوایی، ادبیات و برخی شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار در این سنت دانست.

پیشینه پژوهش

در مجموع پژوهش‌هایی که به طور مستقل به سنت شیوایی جنوب هند پرداخته باشند در داخل ایران اندک هستند. نخستین تحقیق مستقل درباره پیشگامان آیین شیوایی جنوب هند، رساله دکتری است که در آن به زندگی، آثار و باورها و عقاید این گروه پرداخته شده است^(۱). همچنین مقاله‌ای برگرفته از رساله فوق که به جنبه‌های تاثیرات اجتماعی جنبش «ناینمار»ها پرداخته است نیز منتشر شده است^(۲). در ضمن برخی مقالات که به معرفی و شناساندن کلی سنت شیوایی و یا طریقت بهکتی پرداخته‌اند نیز منتشر شده‌اند که چندان اشاره‌ای به سنت شیوایی جنوب هند نکرده‌اند اما برای آشنایی با برخی ویژگی‌ها و جنبه‌های تاریخی، اعتقادی و فرقه‌های این سنت مفید می‌باشند^(۳).

تیرومولر

یکی از مهم‌ترین افراد در گروه «ناینمار»ها، «تیرومولر» است. او نویسنده کتاب تیرومنتیرم است که یکی از معتبرترین آثار درباره فلسفه و آموزه‌های شیواپرستی است. بسیاری از ابعاد زندگی او در ابهام بوده و یا با روایت‌هایی افسانه‌ای توأم است. اما در

آثار دیگر «ناینمار»ها از او بسیار نام برده شده که نشان‌دهنده واقعی بودن این شخصیت و میزان اهمیت و تاثیرگذاری اوست. مطابق آنچه در پریاپورانه آمده است «تیرومولگر» از شمال هند به جنوب رفت و شروع به ترویج و تبلیغ آموزه‌های شیواپرستی کرد. با توجه به این که محل اصلی شکل‌گیری و رشد باورهای او در شمال هند بوده است، پژوهشگران معتقدند در واقع او همان شیواپرستی کشمیری و آگمهای را در جنوب تبلیغ کرده است. چنانکه سروده‌های او به طور یقین نسبت به دیگر «ناینمار»ها بسیار فلسفی و نظام‌مندتر بوده و بسیار تحت تاثیر آگمه‌ها است.

زمان احتمالی زندگی تیرومولگر

با توجه به این که زندگی این قدیس در هاله‌ای از ابهام و داستان‌های غیر واقعی پنهان است، تعیین تاریخ دقیقی برای زمان زندگی او امکان‌پذیر نمی‌باشد. اما از روی برخی از آثار دیگر نویسندگان و «ناینمار»ها می‌توان تا حدودی دوره زندگی او را حدس زد. برخی از پژوهشگران و هندشناسان از جمله «خوندا» (Jan Gonda) در ضمن بررسی ادبیات تامیلی به اثر تیرومولگر یعنی تیرومنتیرم اشاره کرده و آن را یکی از بزرگترین آثار با رویکردی فلسفی و سرشار از آموزه‌های «یگه» دانسته و زمان احتمالی سرودن آن را قرن هفتم میلادی می‌داند (Zvelebil, 1974: 55; Gonda, 1974:160).

نام «تیرومولگر» در بین نام‌های عرفای شیوایی که در کتاب تیروتوندوتوگی (*Tiruttonḍattogai*) اثر قدیس معروف «سوندرار» آمده است. تحقیقات تاریخی انجام‌شده نشان می‌دهد که «سوندرار» کمی پیش از قرن نهم میلادی می‌زیسته است، بنابراین «تیرومولگر» پیش از قرن نهم می‌زیسته، اما زمان دقیق آن و این که چقدر پیش از «سوندرار» زندگی می‌کرده مشخص نیست. گزارش پریه‌پورانم (*Perya Purānam*) از متون مهم ادبیات شیوایی جنوب هند درباره «تیرومولگر» براساس برخی منابع سنسکریت مانند بهکته‌ویلآسام (*Bhakta Vilāsam*) که یکی از پورانه‌های فرعی مبتنی بر سِکَنده پورانه (*Skanda Purāna*) است می‌باشد. این اثر نیز جزئیات دقیقی از زمان زندگی این قدیس به دست نداده است و تنها به داستان رایجی که درباره زندگی اوست بسنده کرده است (Narayana Ayyar, 1974: 206-7; Ramachandra dikshitar, 1936: 119).

اما برخی از دیگر پژوهشگران زمان احتمالی زندگی «تیرومولر» را در دوره حکومت سلسله «کلبه‌ره» (Kalabhra) در جنوب هند می‌دانند. از آنجا که حکمرانی آنان از حدود ۲۵۰ تا ۵۷۵ میلادی بوده و دوره زندگی اکثر قدیسان شیوایی و ویشنوه یعنی «ناینمار»ها و «آلوار»ها از ۶۰۰ تا ۹۰۰ میلادی تخمین زده‌اند بنابراین طبق این دیدگاه می‌توان نتیجه گرفت که «تیرومولر» پیش از سده ششم میلادی می‌زیسته است. در ضمن متفاوت بودن ادبیات و محتوای تیرومنتیرم - به لحاظ زهدگرایانه بودن و فلسفی بودن آن - با دیگر سروده‌های «ناینمار»ها نیز دلیلی بر فاصله زمانی او با دیگر «ناینمار»ها تلقی شده است (Arunachalam, 1974: 143-4, 185-6). «تیرومولر» خود در یکی از سروده‌هایش با عباراتی که بیشتر جنبه رمزگونه و عرفانی دارد درباره زندگی خود می‌گوید که هفت هزار دوره، پیش از آنکه تیرومنتیرم را تصنیف کند زندگی کرده است (Tirumantiram, 1991: 81, St.47). احتمالاً او در این سروده به مفهوم زندگی‌های پیشین و زنجیره متوالی تولد و مرگ که در نهایت منجر به تکامل روحش شده، اشاره کرده است.

با توجه به نظر اکثر پژوهشگران، از لحاظ تاریخی تردیدی نیست که این «تیرومولر» بود که آموزه‌های شیواپرستی مناطق شمالی را که بنیان آنها بر متون حکمی و عرفانی آن نواحی یا آگمه‌ها (Āgama) استوار بود به جنوب آورد. او در سروده‌های خود به شرح بسیاری از مباحث تخصصی و اساسی این حوزه پرداخته است که می‌تواند دلیلی بر این باشد که او از لحاظ زمانی به دوره شکوفایی نظام شیوایی شمال هند یا «پرتی‌آبھی جِنَا دَرشَنه» (Pratyabhijnā Darśana) در کشمیر نزدیک بوده است. در ضمن او بسیار پس از بنیان‌گذاران شش مکتب فلسفی یا «دَرشَنه‌های» اصلی هند می‌زیسته، وی در بخش هجدهم از تَنتره پنجم تیرومنتیرم این شش نظام را مورد نقد و بررسی قرار داده است (Tirumantiram, 1991: 238, St.1530-1549). این موضوع هم نشان‌دهنده احاطه و تسلط او بر مکاتب فلسفی زمان خود است و هم اینکه زمان زندگی او مدت‌ها پس از شکل‌گیری و رواج این مکاتب بوده است. موضوع دیگری که تا حدودی زمان زندگی این قدیس را می‌توان از روی آن تخمین زد، سومین بخش از تَنتره دوم تیرومنتیرم است که در آن به شرح و تفسیر لینگه‌پورانه (Linga Purāna) می‌پردازد که یکی از متون مهم فرقه شیوایی «ویره مَهشوره» (Vira Maheśvara) است. در ضمن به نام‌های ویرم آگمه

(Viram Āgama) و واتولم آگمه (Vātulam Āgama) که از متون مهم این فرقه هستند را مورد توجه و ستایش قرار داده است. همچنین در بخش اول از تئتره هفتم به تفسیر و شرح یکی دیگر از آموزه‌های اساسی این فرقه می‌پردازد. بنابراین مطابق این دیدگاه و آنچه در سروده‌های «تیروموگر» و مجموع نشانه‌ها و دلایل تاریخی، می‌توان نتیجه گرفت زمان زندگی او چیزی بین قرن چهارم تا ششم میلادی (یعنی زمانی که فرقه «ویزه مهشوره» و کتاب لینگاپورانه رواج کامل یافته بودند) بوده است (Narayana Ayyar, 1974: 206-24).

اما یکی از قابل توجه‌ترین نظرات درباره زندگی «تیروموگر» به این موضوع اشاره کرده است که وی در حدود ربع اول قرن هشتم می‌زیسته است و دلایلی که ارائه کرده است مبتنی بر محتوای اثر او یعنی تیرومنتیرم است. طبق این دیدگاه در بسیاری از بندهای این کتاب به مواردی اشاره شده که تاریخ آنها نمی‌تواند به پیش از قرن هشتم بازگردد. بنابراین این احتمال داده شده است که شخصیت «تیروموگر» که «سوندرا» از او نام برده است ممکن است فردی دیگری بوده که بسیار قبل تر می‌زیسته و «تیروموگر» مولف کتاب تیرومنتیرم فرد دیگری که اوایل قرن هشتم زندگی می‌کرده است (Vaiyapuri Pillai, 1956: 108-9).

زندگی نامه تیروموگر

او از طبقه برهمنان^۱ و یکی از هشت یگی بود که به دلیل ایمان‌شان به «شیوه» مورد لطف و رحمت او و «ندی» (Nandi) که از جلوه‌های و تجلیات اوست قرار گرفت و به یک «سیدهی» (Siddhi) یا انسانی که دارای توانایی‌های فوق بشری است تبدیل شد. دلیل مشهور شدن او به «تیروموگر» یکی از کرامات او بود که به بدن بی‌جان شخصی به نام «مووگن» (Mulan) وارد شد. گفته شده است او برای دیدار قدیس معروف «آگستیه» (Agastya) رهسپار جنوب هند شد و در طول این مسیر از شهرها و مناطق مختلفی عبور کرد و تمام مکان‌های مقدس شیوایی را زیارت کرد. او در طی این سفر در کرانه

۱. طبقه اجتماعی این قدیس در اثر زیر شوده ذکر شده است:

Dehejia, Vidya (1988). Slaves of the Lord The Path of the Tamil Saints, p.180.

رودخانه‌ای گله‌ای گاو را مشاهده کرد که ناآرام بودند و مدام فریاد می‌زدند، او برای یافتن دلیل این موضوع کنجکاو شده و پس از بررسی متوجه می‌شود که صاحب آنها فوت کرده و پیکر بی‌جان‌ش را در گوشه‌ای یافت. او برای کمک به گاوهای سرگردان تصمیم گرفت تا از توانایی‌های خاص خود استفاده کند و روح خود را به درون پیکر گاوچران مرده انتقال داد (Sripada Divya Nishanth, 2014: 64-65; Ramachandra dikshitar, 1936: 116-117).

«تیروموگر» به واسطه کرامتی که انجام داد و روح خود را به جسم گاوچران مرده انتقال داد سپس جسم خود را در زیر درختی قرار داد تا در جای امنی باشد و بتواند دوباره از آن استفاده کند. او شروع به جمع‌آوری گاوها و بازگرداندن آنها به سوی روستا کرد. پس از رسیدن به روستا همسر گاوچران متوجه تغییری نشد و خواست تا طبق معمول با همسرش رفتار کند، ولی هنگام نزدیک شدن به او، گاوچران که اکنون روح «تیروموگر» را در بدن خود حمل می‌کرد از او فاصله گرفت و گفت که همسر او نیست و سپس خانه را ترک کرد. زن که از رفتار همسرش متعجب شده بود موضوع را برای بزرگان روستا شرح داد و آنها پس از بررسی به این نتیجه رسیدند که او تحول روحی بزرگی داشته و از زن خواستند که او را تنها بگذارد. روز بعد «تیروموگر» گاوها را برای چرا به محل قبل برد اما نتوانست جسم خود را در جایی که قرار کرده بود پیدا کند. «شیوه» با محو کردن بدن اصلی او تصمیم داشت تا «تیروموگر» در آنجا مانده و کتابی درباره فلسفه شیوایی که مبتنی بر آگمه‌ها و به زبان تاملیلی باشد بنویسد. قدیس پس از آگاهی به این خواسته پروردگار، او را ستایش کرد و در زیر درخت انجیر مقدسی به مراقبه نشست و در خلسه یا «سامادهی» (Samādhi) فرو رفت. این مراقبه سه هزار سال طول کشید و «تیروموگر» هر سال یک بار از حالت مراقبه خارج شده و یک سروده را تصنیف می‌کرد. بنابراین در پایان این مراقبه سه هزار ساله کتاب تیرومنتیرم را حاوی سه هزار سروده است نوشته شد. در نهایت پروردگار از او خشنود شد و او به شمال هند و کوه همالیا و «کیلاشه» بازگشت (Sivananda, 1999: 48).

هرچند این داستان بسیار رنگ افسانه به خود گرفته اما نشان‌دهنده این واقعیت است که دانش فلسفی سنت شیوایی شمال هند که در آگمه‌ها وجود داشت چگونه و توسط چه کسی به مناطق جنوبی راه یافته است. با وجود این که اثر مهم تیرومنتیرم با انتقال

دانش و دیدگاه آگمه‌ها به جنوب هند باعث شکل‌گیری مکتب فلسفی «شیوه‌سیدهانت» (Śaiva Siddhānta) در دورهٔ پس از «ناینمار»‌ها شد، اما در این که سنت شیوایی تامیلی و اکثر «ناینمار»‌ها با محتوای فلسفی آن آشنا باشند تردید وجود دارد. از دید پژوهشگران دلیل این موضوع همان ویژگی جنبش مردمی «بهکتی» یا رویکرد عاشقانهٔ جنوب هند بود که بیشتر مبتنی بر شوریدگی و پرستش عاشقانه بود تا رویکردی عقل‌گرایانه و فلسفی. این موضوع باعث گردید تا در دورهٔ «ناینمار»‌ها به جنبه‌های اساسی فلسفی «تیروموگر» چندان توجهی نشود و مدت‌ها بعد این آموزه‌ها دست‌مایه اصلی بنیان‌گذاران مکاتب شیوایی متأخر مانند «شیوه‌سیدهانت» قرار گیرد (Narayana Ayyar, 1974: 205).

«تیروموگر» خود نیز در اثرش تیرومنتیرم به سرودن سه هزار سروده در طول سه هزار سال اشاره کرده است که در سرزمین تامیل صورت گرفته است (Tirumantiram, 1991: 16, St.99-100). او ابراز می‌دارد این دانش حقیقی و متعالی که منجر به نجات و رهایی انسان می‌شود در اثر لطف و فیض پروردگار به او عطا شده است. «ناینمار»‌های پس از او نیز با احترام فراوان از او یاد کرده اند که نشان‌دهندهٔ جایگاه ویژهٔ او در سنت شیواپرستی جنوب هند است. «سوندرار» ناینمار پر آوازهٔ اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم دربارهٔ «تیروموگر» می‌گوید: «من بندهٔ بندگان استاد و پیر خود تیروموگر هستم» (Vaiyapuri Pillai, 1956: 108).

محتوای تیرومنتیرم

تیرومنتیرم که به سنسکریت شری‌منتیره (Śrī mantra) نامیده می‌شود، به معنای «منتیرهٔ مقدس» یا «کلام مقدس» است. این اثر دهمین کتاب از مجموعه متون مقدس شیوایی جنوب هند است و از سه هزار قطعه سروده تشکیل شده است. هر یک از قطعات دارای چهار بخش یا سطر بوده و به در قالبی مشابه رباعی سروده شده است. این اثر دارای یک مقدمه به نام «پای‌رم» (Pāyiram) و نه فصل است، نام هر فصل «تَنتره» (Tantra) می‌باشد. هر فصل از این کتاب به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است که موضوع کلی مورد بحث را مشخص کرده‌اند؛ اما در بسیاری از موارد مطالب این بخش‌های کوچک‌تر از چهارچوب تعیین شده توسط عنوان آن فراتر رفته به مباحث دیگری نیز پرداخته شده است. ابتدا به نظر می‌رسد محتوای هر «تَنتره» دارای موضوعی مستقل بوده و ارتباطی با

فصل‌های دیگر ندارد، اما با تأمل بیشتر نوعی هماهنگی و پیوستگی درونی در تمام متن نمایان می‌گردد. این اثر را می‌توان دایره‌المعارفی جامع از اندیشه‌های اصیل دین شیوایی دانست که برگرفته از آگمه‌ها است. مولف در این اثر به خوبی به ابعاد مختلف این باورها اشاره کرده و در کل با دیدگاهی تحلیلی، فلسفه این دین را تشریح کرده است. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این کتاب تعالیم مکتب «یگه» و آیین «تنتره» است که به کامل‌ترین شکل شرح داده شده و نشان‌دهنده تسلط نویسنده آن بر این آموزه‌هاست. به باور پژوهشگران این کتاب بارزترین گواه بر اهمیت «یگه» در ادبیات تامیلی و سرچشمه فلسفه «شیوه سیدهانته» است (Zvelebil, 1974: 55).

۱۴۹
پوشنامه ادیان

روش هرمونوتیکی تیرومولر (قدیس برحسبه هندوئی) در تفسیر اسطوره‌های پورانه‌ای بر اساس کتاب تیرومتنیم

بخش آغازین این کتاب مقدمه‌ای است که از نُه بخش و ۱۱۲ سروده تشکیل شده است. در این مقدمه چکیده‌ای مهم مطالبی که از دید مولف مهم بوده است را می‌توان مشاهده کرد. به عبارتی در این مقدمه اساسی‌ترین مفاهیم و آموزه‌هایی که «تیرومولر» قصد تبیین آنها را در کل کتاب دارد به شکلی موجز شرح داده شده است. این دیباچه با ستایش خداوند آغاز شده است و دارای نگرشی توحیدی است. در ادامه مطالبی مانند اهمیت و عظمت ودها (Veda) و ودانگه‌ها (Vedānga) یا ملحقات ودها به عنوان آغاز مسیر تعالی و سرآغاز دریافت «معرفت متعارف» اشاره شده است. همچنین به آگمه‌ها پرداخته شده است که «تیرومولر» آنها را بیست و هشت عدد دانسته و آنها را وحی نازل شده از سوی خداوند می‌داند. از فحوای کلام مولف آشکار می‌شود که او برای آگمه‌ها مرتبه معرفتی و ارزش باطنی بالاتری را قایل است. سلسله گورها و مرشدان عنوان بعدی است که «تیرومولر» در آن به اساتید حقیقی که توسط «شیوه» برگزیده شده‌اند اشاره کرده است و تعداد آنها هشت تن است. در قسمت بعدی مولف شرحی مختصر از احوال خود که به شکلی نمادین بیان شده است ارائه می‌کند. «تیرومولر» در ادامه قسمت‌های بعد به شرح مقام انسانی، ستایش سروده‌های خود، سلسله مراتب معنوی و ایزدان سه گانه «ویشنو»، «برهما» و «شیوه» پرداخته است که در نهایت تفسیری موحدانه از بحث کثرت ایزدان ارائه داده و تنها وجود ابدی و ازلی را «شیوه» معرفی می‌کند.

تنتره اول: این فصل دارای بیست و چهار بخش و ۲۲۴ سروده است. نخستین سروده این فصل به شرح اصلی‌ترین آموزه دین شیوایی اختصاص یافته است. «پتی» (Pati) به

معنای پروردگار، «پَشو» (Paśu) به مفهوم روح، «پاشه» (Pāśa) به معنی قيود و محدودیت‌ها یا ماده، سه مقوله اصلی دین شیوایی هستند که بعدها اساس فلسفه «شیوه‌سیدهانته» را تشکیل دادند. عناوین دیگر این فصل عبارتند از: ناپایداری جسم، فانی بودن ثروت، گذرا بودن جوانی، فانی بودن زندگی دنیوی، عدم آزار و خشونت، نخوردن گوشت، مرتکب زنا نشدن، مراقبت از معاشرت با زنان بدکار، بیهودگی انباشتن مال و ثروت، اهمیت آتش قربانی، شرح وظایف روحانیان و پادشاهان، در ستایش سخاوت و صدقه دادن، شرح این که ماهیت خداوند عشق است، فضیلت فراگیری دانش، پرهیز از افراد نادان، امتناع از نوشیدن می.

تنتره دوم: محتوای این «تنتره» شامل بیست و پنج بخش و ۲۱۲ سروده است. این «تنتره» با گزارش‌های مختصری از برخی داستان‌هایی که در شیوه‌پورانه (Śiva purāṇa) و ایتی‌هاسه (Itihāsa) آمده است آغاز شده است. مانند داستان «آگستیه» قدیس و ماموریتی که پروردگار به جهت برقراری تعادل در زمین به او محوّل کرد آغاز شده است. در ادامه مهم‌ترین عناوین این فصل چنین هستند: هشت عمل قهرمانانه «شیوه»، شرح و توصیف «لینگم»، اسطوره قربانی «داکشه»، جستجوی سر و پای «شیوه»، آفرینش، نگهداری و انهدام عالم، فیض الاهی، نفوس ارزشمند و متعالی، نفوس بی‌قدر و دون، چگونگی ویران کردن معابد توسط افراد شرور و بدکار، در باب توهین به «شیوه»، ناچیز شمردن «گورو»، در فضیلت صبر و شکیبایی.

تنتره سوم: این فصل را می‌توان رساله کاملی درباره «یگه» دانست. اما این شرح برگرفته از نظام «یگه» حکیم و فیلسوف باستان «پاتنجلی» (Pātanjali) نیست و بسیار جامع‌تر از آن است و درک آن به سبب پیچیدگی‌های فراوانی که دارد کمی دشوار به نظر می‌رسد. واضح است که «تیرومولر» دارای تجربه و دانشی عمیق شخصی از «یگه» بوده است. او در این بخش «آشتانگه یگه» یا «یگه هشت مرحله‌ای» را شرح داده و نتایج هر مرحله را نام می‌برد. تفسیر ارائه‌شده از این هشت مرحله منحصر به خود نویسنده است و چندان تحت تاثیر تفاسیر دیگر قرار ندارد. این فصل پس از مقدمه‌ای درباره «آشتانگه یگه»، به مراحل زیر پرداخته است: «یَمه»ها (Yamas) و «نیمه»ها (Niyamas) که بیشتر اصول اخلاقی و پرهیزات هستند، «آسنه»ها (Āsanas) که وضعیت‌های بدنی را

شامل می‌شود، «پرانایامه» (Prānāyāma) که فنون کنترل تنفس و نیروی حیاتی است، «پرتی‌اهاره» (Pratyāhāra) یا بازگرداندن حواس از محسوسات بیرونی به درون است، «دهارانه» (Dhāraṇa) به معنای مرحله تمرکز است، «دهیانّه» (Dhyāna) مرحله تأمل و مراقبه می‌باشد، «سمادهی» (Samādhi) مرحله آخر و به مفهوم یکی شدن است، ثمرات «یگه» هشت گانه، هشت «سیدهی» (Siddhi) یا کرامات، «کاله» (Kāla) یا زمان‌های شانزده گانه، دانش تسلط و تسخیر بدن، چرخه زمان، فنون مهم «یگه» مانند «کچری» (Kechari)، «پری‌انگه» (Pariyanga) و «چندرّه» (Chandra) که مربوط به کنترل تنفس و انرژی جنسی است.

۱۵۱
پوشنامه ادیان

تنتره چهارم: این «تنتره» از سیزده بخش و ۵۳۵ سروده تشکیل است. اصلی‌ترین موضوع مطرح شده در این فصل درباره «مَنتره» یا ذکر، و شیوه‌های گوناگون اجرای آن و ابعاد مختلف و تاثیرات آن است. در بخش نخست شرح مبسوطی از مَنتره «اوم» که ترکیبی از حروف A، U و M است، ارائه شده است. در ادامه همچنین مَنتره‌های مهم شیوایی «نمه شیویّه» (Namasivaya) و «سوهم» (Soham) نیز شرح و تفسیر شده‌اند. در بخش‌های بعد با توضیحاتی در این مقولات مواجه هستیم: شرح «چکرها» و نسبت آنها با برخی حروف، روش صحیح ادای حروف «مَنتره»های مختلف و بیداری «کندالینی»، پرستش خداوند بر اساس مظاهر لطیف و زیبایی چون گل و عطر خوش که «تیرومولر» آن را «آرچنه» (Archana) نامیده است، مکان‌های نه گانه قربانی، شرح ذکر که منجر به مشاهده نور و درخشش یا «بهیروی مَنتره» (Bhairavi Mantra)، توصیف کاملی در باب «پورنه شکتی» (Purna Śakti)، توضیح «بهیروی چکره» (Bhairavi Chakra) که به معنای حقیقت درخشان درون دل سالک عاشق و با ایمان است، و شرح مفصلی از چند «مَنتره» و «چکره» دیگر، عناوین دیگر این فصل را تشکیل داده است.

تنتره پنجم: این «تنتره» از بیست بخش و ۱۵۵ سروده تشکیل شده است. محتوای این فصل بیشتر پیرامون اشکال مختلف شیواپرستی است. در ابتدا به چهار شکل شیواپرستی به نام‌های «شوده‌ه شیوم» (Śuddha Śaivism) یا شیواپرستی اصیل و ناب، «آشوده‌ه شیوم» (Aśuddha Śaivism) یا شیواپرستی معمول و متعارف، «سن مارگه شیوم» (Sanmārga Śaivism) که به طریق دانش یا معرفت اطلاق می‌شود، و «کدم شوده‌ه شیوام»

(Kaḍmśuddha Śaivism) که اشاره به سخت و عالی‌ترین شکل شیواپرستی دارد. این فصل در ادامه به چهار «ساده‌نا» (Sādhanā) روش یا ابزار سلوک به نام‌های «چریا» (Chariyā)، «کریا» (Kriyā)، «یگه» (Yoga) و «جنائه» (Jnāna) پرداخته شده است. نویسنده سپس به آنچه که آن را راه درست یا دانش حقیقی یا «سن‌مارگه» می‌نامد می‌پردازد، او همچنین روش یا رویکردهای مختلفی را شرح می‌دهد که شامل: «سه‌مارگه» (Saha Mārga) یا راه یگه، «ست‌پوتزه‌مارگه» (Satputra Mārga) یا طریق «کریا» و «داسه‌مارگه» (Dāsa Mārga) که طریق پرستش عشقانه خداوند و مظهر او، «گورو» یا استاد است. در ادامه نیز به چهار مرحله اساسی رسیدن به حق اشاره شده است که به ترتیب عبارتند از: «سالوگم» (Sālōkam) یا زندگی در جهان پروردگار، «سامپیم» (Sāmīpam) یا نزدیکی و قرب به پروردگار، «ساروپم» (Sārūpam) یا رسیدن به مقام برابری با خداوند، و «سایوجیم» (Sāyujyam) که به معنای اتحاد و یکی شدن با خداوند است. در نهایت این «تنتره» از نزول «شکتی» به عنوان فیض الهی سخن گفته است.

تنتره ششم: این فصل در قالب چهارده بخش و ۱۳۱ سروده تنظیم است. شاید این فصل را بتوان مناسب‌ترین قسمت کتاب تیرومنتیرم برای مخاطب عادی دانست، چرا که محتوای آن چندان پیچیده نیست. اصلی‌ترین مبحث در این قسمت درباره «گورو» است که «شیوه» به عنوان «گورو» حقیقی معرفی شده که به آن «شیوه گورو درشته» (Śiva guru darśana) اطلاق شده است. عناوین دیگر این فصل به موضوعاتی مانند دست‌یابی به فیض الاهی از پاهای «گورو»، در باب معنا و مفهوم دانش و معرفت، آن‌کس که می‌داند، آنچه باید دانسته شود، اهمیت ترک دنیا، «تپس» یا ریاضت و بی‌نیازی عده‌ای از انسان‌ها از ریاضت و توبه به دلیل سطح بالای معرفت‌شان، درباره معرفتی که برخاسته از فیض الاهی است، آنان که به اشتباه خرقة به تن کرده‌اند، خاکستر مقدس، نشانه‌های اهل معرفت و آنان که به «شیوه» ایمان واقعی دارند، این «تنتره» با شرحی درباره مرید شایسته و شخص فاقد صلاحیت پایان می‌یابد.

تنتره هفتم: این «تنتره» از سی‌وهشت قسمت و ۴۱۸ سروده تشکیل شده است. شروع این فصل با شرحی درباره مراکز انرژی حیاتی بدن یا «چکره» است، که «تیرومولگر» آنها را «ادهره» (Adhara) نامیده است. هریک از این شش مرکز که به گل

نیلوفری با تعداد گلبرگ‌های متفاوت تشبیه شده‌اند مطابق روایت‌های سنتی «یُگه» تفسیری نمادین شده‌اند. در ادامه شش «ادهوه» (Adhava) که از مفاهیم متداول در آموزه‌های «شیوه‌سیدهانت» است شرح داده شده است. سپس شش «لینگه» شرح داده شده‌اند که شامل: «اندلینگه» (Aṇḍa Linga)، «پیندلینگه» (Piṇḍa Linga)، «سد‌شیوه‌لینگه» (Sadaśiva Linga)، «آتمه‌لینگه» (Ātma Linga)، «جانه‌لینگه» (Jnāna Linga) و «شیوه‌لینگه» (Śiva Linga) می‌باشند. بخش بعدی تحت عنوان «سم‌پردایه» (Sampradāya) یا «سنت مقدس» که به طور مشخص به آموزه‌های دین شیوایی پرداخته است که «تیرومولر» از «ندی» یا همان تجلی شیوه آموخته است. در دو قسمت بعدی نویسنده کتاب به مفهوم فیض که یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین شیوایی است پرداخته است؛ او در مورد فیضی که شامل حال خودش شده و منجر به رسیدنش به تنویر و اشراق شده است نیز سخن گفته است. قسمت بعد به کیفیت نیایش و دعا به درگاه «شیوه» اشاره کرده است که باید از قلب و دل سالک صادر شود. چنین نیایشی مورد قبول «شیوه» یا «مَهشورَه» (Mahēśvara) و «گورو» خواهد بود.

مهم‌ترین عناوین دیگری که در این «تنتره» آمده چنین است: توضیحاتی درباره اهمیت و عظمت سالکان شیوایی یا همان «ادیار»ها (Aḍiyārs) که افرادی ثابت قدم در رسیدن به حق هستند. شرح این موضوع که اهل «یُگه» پس از مرگ بر اساس مراتب و درجات خود، به چه عوالمی وارد می‌شوند؛ و شیوه به خاک سپردن آنها چگونه است. شرح شکل‌های مختلفی از فنونی به نام «مودره» (Mudra) که در «هته‌یُگه» بسیار متداول و مهم هستند. توضیح در خصوص مرحله «سمادهی» و شرایط و اعمال مربوط به آن؛ درباره تعالیم عملی که «یُگی»ها در جهت نیل به حقیقت از آنها بهره می‌برند. در باب اهمیت و لزوم کنترل حواس یا «ایندریه»ها (Indriyas)؛ بررسی ویژگی‌های گورو یا مرشدان حقیقی و دروغین. در انتهای این فصل این نتیجه‌گیری انجام شده است که انسان با پیروی از راه حقیقی و درست به دانش دست خواهد یافت.

تنتره هشتم: این فصل از ۴۳ بخش و ۵۲۷ تشکیل شده است. بخش آغازین این تنتره به طبیعت پنج‌گانه جسم پرداخته است. سپس بحث ترک جسم و بازگشت مجدد به آن مطرح گردیده است. در ادامه شرح جامع و استادانه‌ای از یازده «اوسته»

(Avasthas) یا «شروط یازده گانه‌ای» که دربردارنده برخی از اصول بنیادین مکتب «شیوه سیدهانت» است ارائه شده است. بخش بعدی در ارتباط با آغاز دانش و معرفت یا «جنانه دَیم» (Jñānodayam) است؛ بدان معنا که پس از وصول به مراحل پنجم و ششم این مسیر سالک به درجه‌ای از شکوفایی معرفت که «سیدهانت» است می‌رسد. در قسمت بعدی نشان داده می‌شود که چگونه «پتی»، «پشو» و «پاشه» در اصل و ذات یکی هستند. بخش بعد شرحی عقل‌گرایانه از اسطوره و داستان پورانه‌ای که درباره ناتوانی «برهما» و «ویشنو» از مشاهده سر و پای «شیوه»، ارائه گردیده است. قسمت‌های بعدی به این مباحث پرداخته است: خطاهای سه گانه، مراحل سه گانه تعالی یا «پاده»‌های (Padas) سه گانه که شامل «تت، توام، اسی» (Tat, Tvam, Asi)، سه بُعد ماورا یا «پرا» (Parā)، سه «توریه» (Turyia) یا مراتب یا حالات چهار گانه، سه «موکتی» (Mukti) یا رهایی، سه «سورویه» (Svarūpa) یا ماهیت یا جوهرهای سه گانه، سه «کرنه» (Karaṇa) یا اندام‌های درونی ادراک، سه «شونیه» (Śunya) یا تهیگی و حالت آرامش و سکون یا «اوپاشنتم» (Upa Śantam) پرداخته شده است. این تئوره با بخش‌های که دربردارنده برخی فضایل اخلاقی مانند بدگویی نکردن و بی‌احترامی نکردن است ادامه پیدا می‌کند و در قسمت بعد به شرح و توضیح روشنی از نیلوفر قلب که منزلگاه و مأمن نزول ایزدان است ارائه شده است و بخش مهم دیگری که درباره آن سخن گفته شده حالت‌های نه گانه نفس است.

تئوره نهم: آخرین فصل از کتاب تیرومنتیرم مشتمل بر بیست و سه بخش و ۴۰۰ سروده است. این فصل در ابتدا به شرح گورو و برخی ویژگی‌های او و نسبت گورو با پروردگار پرداخته است. همچنین مطالبی پیرامون «شکتی» و منتیره «اوم نمه شیوه» و اثرات آن آورده شده است. در ادامه به «حرکت کیهانی» یا «رقص شیوه» در شکل‌های گوناگون اشاره شده است و اینکه چگونه انسان می‌تواند تبرک و برکت الهی را به دست آورد. بحث درک و رسیدن به «آکشه» (Ākaśa) یا فضا که از دید نویسنده کتاب شروع معرفت و برکت ناشی از معرفت حقیقی است. موضوعاتی مانند ایمان، فلسفه شیوایی یا «شیوه درشنه» (Śiva Darśana)، عظمت وجود متعالی خداوند که در پس همه موجودات است، بزرگی نفوس اهل تزکیه، ستایش و نیایش پروردگار، شهود شیوه منجر به رسیدن

مرحله‌ رهایی می‌گردد. در انتها کتاب با حمد و ستایش کاملی از خداوند پایان می‌یابد.

رویکرد هرمنوتیکی تیرومولر

«تیرومولر» با پشتوانه فلسفی که مبتنی بر آگمه‌های شیوایی و درک وی از مکاتب کلاسیک فلسفی پیش از خود بود، توانست در ارائه آموزه‌های خود روشی عقل‌گرایانه و منسجم داشته باشد. این موضوع در شرح و تفسیری که او از برخی افسانه‌ها و داستان‌های اسطوره‌ای ارائه می‌دهد به خوبی قابل مشاهده بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. او در این شیوه تفسیری خاص خود تلاش کرده تا از جنبه‌های خیالی و وهم‌انگیز این روایت‌های اسطوره‌ای کاسته و با تفسیری عرفانی آنها را شرح دهد. یکی از این اسطوره‌ها مربوط به داستانی است که در آن شیوه «سه شهر» یا «سه قلعه» را ویران می‌کند. این داستان در سروده ۳۴۳ از *تنتیره دوم تیرومنتیرم* آمده است و «تیرومولر» نوعی تفسیری باطنی از آن پرداخته است:

پروردگار ازلی،

همو که انبوه گیسوان درهم پیچیده سرخ‌گونش را آب مقدس گنگ پوشانیده
است،

اوست که سه شهر را ویران ساخت،

چنین گویند نادانان!

سه شهر ناخالصی‌های سه‌گانه هستند، که او آنها را سوخته و از بین می‌برد

چه کسی این حقیقت را می‌داند؟ (Tirumantiram, 1991: 53, St.343)

این سروده به یکی از داستان‌های اساطیری مندرج در شیوه‌پورانه^۱ (*Śiva Purāna*) اشاره دارد. این شهرها یا قلعه‌ها به درخواست سه پسر به‌جای مانده از یک اسوره (*Asura*) یا دیو از «برهما» (خالق) ساخته شد. آنها به دنبال مکانی بودند که هیچ خطری تهدیدشان نکند و به جاودانگی برسند، با آنکه برهما به آنها گوشزد کرد هیچ چیز جاودانه نخواهد بود، اما آنها اصرار کردند، پس این خواسته به اراده «برهما» محقق شد. این شهرها یا دژها در پایین‌ترین جایگاه یا عالم اموات با دیوارهایی آهنین، در زمین با دیوارهایی از نقره و در عوالم بالاتر یا بهشت با دیوارهایی طلائی ساخته شد و به

صورت متحرک بود تا از هر حمله و خطری ایمن باشد. به دلیل خوی اهریمنی اسوره‌ها پس مدتی شرارت و تمایلات شیطانی آنها شدت گرفت و در نهایت پس از آنکه دیگر ایزدان از غلبه بر آنها عاجز ماندند «شیوه» در نبردی خردمندانه آنها را نابود کرد (Śiva Purāna, vol 2: 802-846).

برخلاف جنبه‌های ظاهری و خیالی این داستان پورانه‌ای که در بسیاری موارد و هم‌برانگیز و غیر عقلانی است، تفسیر «تیروموگر» از این حکایت چنانکه که از سروده او در این باب برمی آید، بدون توجه به شکل ظاهری این داستان، بسیار عقل‌پسند و باطنی است. او منظور از «سه شهر» را سه «مَلَه» (Mala) که به معنی «ناپاکی یا ناخالصی‌های سه‌گانه» است تفسیر می‌کند. این ناخالصی‌ها شامل «خودپرستی»، «کرمه» یا آثار اعمال پیشین و «مایا» یا وهم است. در واقع آنچه این ناخالصی‌های نهادینه در انسان را از بین می‌برد، معرفت و فیضی است که از سوی خداوند افزوده می‌شود.

داستان دیگری که «تیروموگر» به تفسیر و شرح باطنی آن پرداخته است مربوط به روایتی اسطوره‌ای است که در آن گفته شده است وزن کره زمین در قسمت شمالی افزایش یافته و به عبارتی زمین دچار اضافه وزن شده بود که باعث بهم خوردن تعادل زمین شده بود. بنابراین «شیوه» از قدیس «آگستیه» که در حال ریاضت کشیدن یا «تپس» (Tapas) بود خواست تا به جنوب برود تا با سنگینی او زمین به حالت تعادل بازگردد. محتوای این سروده چنین است:

درود پروردگار متعال را،

این گوی زمین که از مرکز خویش در چرخش است

در خطر منحرف شدن از مسیر خود است

پس ازین روی موجودات آسمانی گریستند و لابه کردند

آنگاه پروردگار چنین فرمود:

ای آگاستیه!

ای که سخت در میان آتش فروزان قربانی به تپس نشسته‌ای

به آن سوی که چنین ناموزون گشته است شتاب

آنجا جلوس کن و تعادل آن را برقرار نما (Tirumantiram, 1991: 52, St.337)

«تیرومولر» این داستان را بدین شکل تفسیر می‌کند که زمین به این دلیل دچار عدم تعادل شده است که در درون انسان‌ها تعادل و آرامش برهم خورده است و دچار ناموزونی شده‌اند. او در سروده‌های ۳۲۰ تا ۳۲۳ از تتره نخست مراد خود از مفهوم توازن و تعادل در انسان را بیان داشته است. در این سروده‌ها راه حکمت و معرفت به عنوان راه میانه که مورد تایید خداوند است توصیف شده است (Tirumantiram, 1991: 49, St. 320-323) بنابراین منحرف شدن زمین از مسیر درست و طبیعی خود، در واقع نشان‌دهنده انحراف درونی انسان‌ها از مسیر معرفت و خرد است که خداوند اراده کرده است. این عدم تعادل در انسان‌ها ریشه در تمایلات و امیال و خواسته‌هایی دارد که مانع درک و رسیدن به حقیقت می‌شود. «اگستیه» قدیس معروف و افسانه‌ای شیوایی از طرف «شیوه» مامور بازگرداندن این سکون و تعادل است. «تیرومولر» در سروده بعد به شکلی نمادین وجود «اگستیه» را به «نور درخشان» الوهی تشبیه می‌کند که مانند خورشید با تابش خود همه جا را روشن می‌کند.

طلوعی بی‌پایان!

با خورشیدی تابان در عرش اعلا

اگستیه روشنایی آتش الهی است

او مونی مقدس [سرزمین‌های] شمال است

که آتش نخستین و نور تابناک فراگیر از آنجا زاده شد (Tirumantiram, 1991: 52, St.338)

«تیرومولر» مفهوم سمبلیک «نور درخشان» را در تتره چهارم شرح و بسط بیشتری داده و تقریری مبتنی بر «یگه» از آن ارائه می‌دهد. وی این نور را در واقع همان روشنایی «اگنی» (Agni) تفسیر می‌کند که از «مولادهاره»^۱ (Mūlādhāra) منتشر شده و تا «کپاله» یا «سهسارارا»^۲ (Sahasrārā) می‌رسد (Tirumantiram, 1991: 160-64, st. 1015-1045). بنابر دیدگاه

۱. نام نمادین پایین‌ترین مرکز انرژی روانی انسان که منطبق با ناحیه تحتانی بدن فیزیکی بدن انسان است و جایگاه فعالیت‌های غریزی مانند نیروی جنسی است. این مرکز در واقع سمبل اتصال انسان به عالم مادی و نخستین سطح انرژی حیاتی انسان است که از آنجا به مراکز بالاتر حرکت کرده و کنش‌های دیگر او را شکل می‌دهد. نمادهای این مراکز انرژی در بیشتر متون مربوط به «یگه» به خصوص «هته‌یگه» تحت عنوان «چکره» مطرح گردیده است.

۲. نماد بالاترین مرکز انرژی روانی انسان است که منطبق با راس و تاج کاسه سر در بدن فیزیکی انسان بوده و در متعالی‌ترین شکل خود، آخرین مرحله اتصال انسان به ماباه عالم صغیر، به عالم کبیر و کائنات است.

«تیروموگر» تنویر حقیقی و رسیدن به روشنائی، تنها از طریق بیداری قوه‌ای میسر است که او آن را به عنوان مفهوم «مولاگنی» (Mūlāgni) یا «کُندالینی شکتی» (Kunḍalini śakti) مطرح می‌کند که بر اساس آموزه‌های «یُگه» با به جریان افتادن و فعال شدن آنها در مجرای «سوشومنا»^۱ (Suṣumnā) است که منجر به رسیدن به این مرحله می‌شود. بنابراین مطابق تفسیر «تیروموگر» از این اسطوره، مفهوم باطنی این داستان چیزی جز فیض و لطف خداوند به انسان را نشان نمی‌دهد که از طریق بیدار و فعال کردن آتش «کُندالینی» در انسان تجلی پیدا می‌کند. «اگستیه» نیز معنایی دیگری جز نورِ درخشان و روشنی‌بخش «کُندالینی» درون مجرای «سوشومنا» ندارد، و انسان‌هایی که نتوانند نیروی «کُندالینی» خود را به حالت فعال در آورده و بیدار کنند، نمی‌توانند بر ذهن خود مسلط شوند و آن را متعادل نگاه دارند، از این رو حالت عدم تعادل به وجود می‌آید (Narayana Ayyar, 1974: 224-226).

نمونه دیگری از تفسیر و تأویل «تیروموگر» در باب حکایت‌های پورانه‌ای مربوط به داستانی است که در آن گفته شده «برهما» از دیدن سر و «ویشنو» از مشاهده پاهای «شیوه» ناتوان هستند. این سروده چنین است:

نه سر و نه پا را شناسند،

چنین جاهلند ایشان!

آن وجود مقدس فرماید: [مراد از] پا فیض شکتی است،

و همو گوید، [مفهوم] سر جنانّه است

که با علت نخستین وحدت می‌یابند

آن هنگام که جیوه پاهای فیض، [سوی] سر جنانّه را نشان دهد

آنگاه رهایی حاصل شود. (Tirumantiram, 1991: 378, St.2425)

بر اساس تفسیر «تیروموگر»، سر به معنای «جنانّه» (Jnāna) یا معرفت و پا به مفهوم فیض و لطف است. «برهما» نمی‌تواند به «شیوه جنانّه» یا معرفت «شیوه» برسد، همچنین

۱. مجرا و کانال اصلی انرژی حیاتی است که توسط آن این نیرو از پایین‌ترین سطح خود یا همان «مولادهازه» از آن طریق آن به سمت بالا حرکت کرده و در متعالی‌ترین شکل خود به «سَهَسَرارا» می‌رسد.

«ویشنو» نمی‌تواند «شکتی» یا نیروی «شیوه» را ببیند و فیض او را دریافت کند. دیدگاه مفسر چنین است که «برهما» و «ویشنو» نماد و معرف وده‌ها هستند که به عنوان «معرفت فروتر» یا «معرفت متعارف» از آنها یاد شده است. در دوران بعد خداوند «معرفت برتر» یا «معرفت متعالی» که تحت نام‌هایی مانند «ودانته» (Vedānta) و «سیدهانت» (Siddhānta) را به انسان‌ها ارزانی داشته است که «شیوه» تجسم و مظهر آن است. بنابراین برتری «شیوه» بر دیگر ایزدان و ناتوانی آنها از مشاهده و درک سر و پاهای او، در حقیقت اشاره به مراتب معارفی دارد که در عالم وجود دارد. معرفت‌هایی که جنبه مقدماتی و عمومی‌تری دارند به عنوان تعالیم عام در اختیار بشر قرار دارد و نماد آنها «برهما» و «ویشنو» هستند؛ و معارفی که جنبه خاص داشته و برای خواص و نفوس مراتب بالاتر هستند به طور نمادین به «شیوه» منتسب شده است.

در تکمیل تفسیر فوق باید افزود که «جیوه» یا روح هنگامی به رهایی می‌رسد که معرفت و فیض خداوند در انسان به کمال رسیده باشد و در اثر همسویی و اتحاد این دو عامل مراتب رهایی میسر شود. همچنین در تفسیر رقص نمادین «شیوه» که تحت نام «نترآجه» (Natarāja) است نیز به همین شکل تفسیر شده است. یکی از پاهای او که از زمین جدا شده و به سمت بالا اشاره دارد در واقع به سر یا «جنان» که نماد معرفت است اشاره می‌کند (Narayana Ayyar, 1974: 229).

«تیرومولر» در سروده بعدی تفسیر خود را بر اساس مفاهیم و رویکردی مبتنی بر آموزه‌های «یگه» تکمیل کرده و چنین می‌گوید:

آنان نمی‌دانند،

سر و پای (پروردگار) در بدن [انسان] مآمن دارد
سر «سَهسَرارا» (راس جمجه)، پای «مولادهاره» (بُن ستون فقرات)،
آنان که در طریقت «یگه» به مشاهده آن نائل آمدند
در طاعات خویش مستغرق

سر تعظیم بر قدوم پروردگار فرو می‌آورند (Tirumantiram, 1991: 378, St.2426)

در باب دو اصطلاح «سَهسَرارا» و «مولادهاره» پیش‌تر سخن گفته شد؛ در نظام فکری «یگه» انسان به مثابه عالم صغیر در تناظر با عالم کبیر و کیهان قرار دارد. در سروده فوق

«تیروموگر» بار دیگر تفسیری معناگرایانه از این آموزه نمادین و کهن «یُگه» ارائه داده است. او بالاترین نقطه در تاج سر به نام «سَهَسَرارا» را محل تجلی معرفت الهی توصیف می‌کند و پایین‌ترین نقطه در ستون فقرات «مولادهاره» به عنوان نماد ارتباط با عالم ماده و دنیای خاکی در بردارنده نیروهای طبیعی و حیاتی وجود انسان تلقی شده است. چنانکه این جنبه طبیعی و مادی وجودی به سوی مراتب بالا و متعالی حرکت کند، و با یکدیگر به وحدت رسند آنگاه انسان در متعادل‌ترین و متعالی‌ترین حالت روحی و روانی خود قرار گرفته و به معنای واقعی در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت.

در میان انبوه اسما و صفاتی که به «شیوه» منسوب است یکی از معروف‌ترین آنها «نیلکنته» (Nīlakaṇṭha) به معنای «آنکه گردن یا گلویش آبی است» می‌باشد. این نام اشاره به داستان بسیار معروف پورانه‌ای دارد که در آن نقل شده است در نبردی که بین ایزدان و اهریمنان صورت گرفت پس از رخ دادن وقایعی، در نهایت منجر به مسموم شدن دریاها و خطر از بین رفتن همه موجودات شد. در نهایت «شیوه» تمام آن سموم مهلک را نوشید و عالم را نجات داد؛ اما آن را در نبلعید و در گلوی خود نگاه داشت چرا که بلعیدن آن باعث از بین رفتن خودش نیز می‌گردید. بر اساس این اسطوره در بسیاری از تصاویری که از این ایزد وجود دارد گلوی او تیره رنگ یا آبی نشان داده شده است (Vishnu Purāna, 2006: 23-26). «تیروموگر» بر اساس این اسطوره چنین سروده است:

او که گردن‌بندی از مجموعه‌های سفید دارد،
 با گیسوان بلند و گسترده
 اوست حافظ گستره [این] عالم
 فضا در هشت جهت مملو از اوست
 گلویش آن هنگام که چهره سوی پایین دارد
 پوشیده از سیاهی است
 آنان گویند: "او زهر بلعیده است"

نادانند، حقیقت را نمی‌دانند (Tirumantiram, 1991: 81, St.521).

«تیروموگر» در سروده فوق با رویکرد هرمنوتیکی خاص خود معتقد است مردم به

ظاهر این داستان توجه می‌کند و معنای حقیقی تیره بودن گلوی «شیوه» را نمی‌دانند. او در جای دیگر تفسیر باطنی در باب معنای واقعی این اسطوره ارائه داده است. در بخش ۳۷ از تتره هشتم کتاب تیرومنتیرم با عنوان «ویشوه گراشه» (Viśvagrāsa) که به معنای «استغراق کامل» (Total Absorption) است، چند سروده با محتوای چگونگی مراتب مختلف تجلی الوهیت در عالم در آمده است. «تیرومولر» در این سروده‌ها خداوند را در مراتب مختلف و تجلیاتی که هر یک نسبت به یکدیگر دارای مراتب نزولی یا صعودی هستند توصیف می‌کند. در اثر این تجلیات مراتب مختلف نفوس و عوالم گوناگون شکل می‌گیرند. «شیوه» در تجلی نازل خود روح جزیی یا «جیواتمه» (Jivātma)، روح کل عاری از صفات یا «پرم آتمه» (Paramātma)، حالت چهارم آگاهی «توریه» (Turya) و هر آنچه ورای آنها در عالم را بلعیده است. تشبیه به کار رفته در این ابیات و به کار گرفتن واژه «بلعیدن» را به مانند هنگامی که آفتی از درون چوب درخت سیب آن را فرا گرفته و سیاه می‌کند توصیف کرده است. بنابراین «شیوه» از یک سوی با عالم و مظاهر گوناگون آن در ارتباط است و همه آنها موجودیت خود را از او می‌گیرند. این جنبه از «شیوه» ناظر به وجه ربوبیت اوست که متصف به اسماء و صفات و صورت‌های مختلف است. پس طبق این اسطوره هنگامی که دیگر ایزدان از «شیوه» خواستند تا زهر مهلک را بنوشید اما آن را نبلعد به و در گلوی خود نگاه دارد به این شکل تفسیر شده است که «شیوه» با حفظ ارتباط خود با عالم، گویی کل آن را در درون خود نگاه داشته است و حافظ آن است.

در ادامه به مرتبه متعالی «شیوه» یا «پراپره شیوه» (Parāpara Śiva) اشاره شده است که به مفهوم جنبه ذات خداوند است و فراتر از شناخت و ادراک، اوصاف و صورت‌ها است. این مرتبه متعالی خداوند ارتباط مستقیمی با عالم ندارد و مجرای ارتباط آن با عالم از طریق جنبه پیشین است. بنابراین طبق تفسیر «تیرومولر» هنگامی که گفته می‌شود «شیوه» زهر را فرو نداد و همچنان آن را در گلو حفظ کرد، اشاره به آن است که او جنبه نازل و آشکار عالم را حفظ کرده است؛ و چنانچه آن را بلعد بدان معناست که جنبه نازل عالم که دارای شکل و صورت است از بین رفته و فقط حالت بی‌شکل و صورت «شیوه» باقی خواهد ماند (Tirumantiram, 1991: 401-2, St.2587-2594).

نمونه‌های فوق از روش تفسیری «تیروموگر» نشان‌دهندهٔ ویژگی منحصر به فرد او در ارائهٔ رویکردی تأویل‌گرایانه در شرح آموزه‌ها، باورها، داستان‌ها و اسطوره‌های دین هندو به خصوص تفکر شیوایی است. به نظر می‌رسد اثرگذاری این رویکرد در دورهٔ شکوفایی دین شیواپرستی در جنوب هند، حدود سده‌های ششم تا نهم میلادی چندان نبوده است. دلیل اصلی آن را می‌توان در غلبهٔ «جنبش بهکتی» یا پرستش عاشقانه دانست که در نواحی جنوبی هند و در بین تودهٔ مردم از هر طبقه و سطحی از جامعه گسترش یافته بود. چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد گروه قدیسان شیوایی یا «ناینمار»ها که بخش مهمی از «جنبش بهکتی» را تشکیل داده بودند عموماً شوریدگانی بودند که در اشتیاق و جذبۀ عشق پروردگار می‌سوختند و چندان توجهی به مباحث فلسفی و کلامی نداشتند، به همین دلیل به آموزه‌ها و رویکردی که در کتاب تیرومنتیرم وجود داشت کمتر توجه داشته‌اند. اما پس از دورهٔ پرشور و حال «ناینمار»ها از حدود سدهٔ دوازدهم میلادی به بعد، هنگامی که زمان شرح و تبیین فلسفی و الاهیاتی تفکر شیوایی در جنوب هند فرا رسید، محتوای این کتاب بسیار مورد توجه قرار گرفت. متفکران و فیلسوفان این مکتب با اتکا به این منبع، اصلی‌ترین مکتب فلسفی شیوایی جنوب هند یعنی «شیوه‌سیدهانته» را پی‌ریزی کردند که تا امروز همچنان پابرجا و شکوفاست.

نتیجه

روایت‌های نمادین و اسطوره‌ها بخش‌های جدایی‌ناپذیری از متون کهن هندو هستند. هرچند این اسطوره‌ها در بطن خود حاوی آموزه و پیام خاصی هستند اما شکل رمزگونهٔ بیان آنها باعث شده است تا به مرور معنای لفظی و ظاهری آن بر معنای درونی آن غلبه پیدا کند. در این مقاله تلاش گردید به یکی از این مفسران و روش هرمنوتیکی او پرداخته شود. زندگی «تیروموگر» هرچند در حاله‌ای از ابهام و روایت‌های اغراق‌آمیز پنهان است، اما با بررسی پژوهش‌هایی که بر شخصیت تاریخی او انجام شده است تا حدودی دوره زندگی و اینکه آموزه‌های شیواپرستی را در جنوب هند رواج داد مشخص گردید.

سپس با بررسی محتوای کتاب تیرومنتیرم اثر این قدیس، دامنهٔ وسیعی از مفاهیم و

آموزه‌های مهم فلسفه هندویی و آیین شیواپرستی مطرح و به اختصار معرفی شد. این متن دارای ساختاری منسجم و به شکلی روش‌مند نگاشته شده است و این ویژگی آن را از دیگر آثار برجای مانده از قدیسان شیوایی جنوب هند متمایز می‌کند. با توجه به محتوای غنی و ساختار فلسفی و عرفانی این کتاب، در سده‌های بعد به عنوان مهم‌ترین منبع مکتب «شیوه سیدهائته» مورد توجه قرار گرفت.

در بخش بعدی از این پژوهش به رویکرد هرمنوتیکی این قدیس در شرح و تفسیر اسطوره‌های پورانه‌ای پرداخته شده است. از آنجا که پورانه‌ها به لحاظ محتوا و داستانی بودن آنها در بین مردم عادی رواج فراوان داشته، به نظر می‌رسد بسیاری از این روایت‌های اسطوره‌ای دستخوش برداشت‌های سطحی شده و تنها به ظاهر آنها توجه شده است. «تیرومولر» در مواجهه با این موضوع، برخی از این اسطوره‌ها را با رویکردی هرمنوتیکی شرح داده و از آنها تفسیری فلسفی-عرفانی به دست داده است که در نوع خود بی‌نظیر است. نمونه‌های از این اسطوره‌ها در متن حاضر انتخاب و روش تأویل‌گرایانه این قدیس درباره آنها شرح داده شده است.

۱۶۳
پوشنامه ادیان

پی‌نوشت‌ها

- (۱) رساله دکتری پیمان صمیمی با عنوان "ناینمارها: زندگی، آثار، باورها"، استاد راهنما: ابوالفضل محمودی، استاد مشاور: فاطمه لاجوردی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، تابستان ۱۳۹۹.
- (۲) صمیمی، پیمان؛ محمودی، ابوالفضل؛ لاجوردی، فاطمه، «مبانی نظام طبقاتی هندو و جنبش‌های عرفانی منتقد آن (ناینمارها)»، فلسفه دین، سال هفدهم، دوره هفده، شماره سوم، صص ۴۴۳-۴۶۵.
- (۳) این مقالات به شرح زیر می‌باشند:
- الیاسی، پریا، «نخستین نمودهای بهکتی یا عبادت عاشقانه در متون هندویی»، پژوهشنامه ادیان، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۷-۳۴.
 - الیاسی، پریا، مجتبیایی، فتح‌الله، «نگاهی به تاریخچه شیواپرستی در دین هندویی: خاستگاه، تحول و مکاتب آن»، پژوهشنامه ادیان، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۲۹-۱۶۱.
 - هادی‌نیا، محبوبه، «آیین پرستش‌شکنتی در مکاتب شیوایی»، پژوهشنامه ادیان، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۸۳-۲۰۹.
 - تولیتی، سمانه؛ محمودی، ابوالفضل، «الوهیت از دیدگاه آلوارها»، فلسفه دین، سال دهم، دوره دوازدهم، شماره یکم، صص ۱۷۴-۱۵۵.

فهرست منابع

- Arunachalam, M (1974). *An Introduction to the History of Tamil Literature*, India: Gandhi Vidyalayam, Tiruchitrambalam.
- Dehejia, V (1988). *Slaves of the Lord: The Path of the Tamil Saints*, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers Pvt. Ltd.
- Gonda, Jan (1970). *Viṣṇuism and Śvaism comparison A Comparison*, New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers Pvt. Ltd.
- Gonda, Jan (1974). *A History of Indian Literature: Medieval Religious Literature in Sanskrit*, ed. by Jan Gonda, Wiesbaden: Otto Harrassowitz, vol. 2.
- Narayana Ayyar, C. V (1974). *Origin and Early history of Śvaism in South India*, ed. by K. A. Nilakanta Sastri, Madras: University of Madras.
- Ramachandra dikshitar, V. R (1936). *Studies in Tamil Literature and History*, Madras: University of Madras.
- *Śiva Purāna* (1950), English translation by J. L. Shastri, Delhi: Motilal Banarsidass Publishers Private Limited, 4 vol.
- Sivananda, Swami (1999). *Sixty Three Nayanar Saints*, India: The Divine Life Society.
- Sripada Divya Nishanth, Smt (2014). *Legends Of The Nayanmars*, India: Executive Officer tirumala Tirupati Devasthanams, Tirupati.
- *Tirumantiram A Tamil Scriptural Classic* (1991). by. Tirumular, English Translation by. B. Natarajan, Ed. by N. Mahalingam, Madras: Sri Ramakrishna Math.
- Vaiyapuri Piillai, S (1956). *History of Tamil Language and Literature (Beginning to 1000 AD)*, Madras: New Century Book House.
- *Vishnu Purana*, (2006), by. Chaturvedi, B. K, New Delhi: Diamond Pocket Books (P) Ltd.
- Zvelebil, Kamil (1974). *A History of Indian Literature: Tamil Literature*, ed. by Jan Gonda, Wiesbaden: Otto Harrassowitz, vol. 5.

۱۶۵
پروشمنامه ادیان